

مقاله ذیلر دوست محترم ما آقای عنایت معلم مدرسه دارالمعلمین با اداره فرستاده اند

تاریخ هجوم قوم مغول بایران و آثار آن

مگرد آورده مظاهری

نامه بر رقص آه غریبان پیدا
خامه در شکنش خون شهیدان ضمیر
نقش تحریرش از سینه مظلومان خشک
سطر و عنوانش از دیده محرومان تر
ریش گردد ممر صوت از نگاه سماع
خون شود مردمک دیده از نگاه نظر
« انوری » (۱)

قسمت اول - آغاز

نژاد و مساکن اولیه این طایفه - در شرق اقصی یعنی در قسمت

های مشرق آسیا اراضی حاصلخیزی است که چندین دهانه رودخانه های بزرگ در آن حدود جاری هستند و قومی در آن حوالی زیست میکنند که از هر حیث با اهالی مغرب زمین بکلی متفاوت اند و بهیچ وجه ایشان را از جهت قیافه و شمایل با مردمان اقلیم ما نمیشود مقایسه کرد چه آنها قیافه زرد رنگی دارند که چشمهای خوابیده و ابروان تابیده ایشان وجه آنان را بوجهی خاص تغییر داده . مویهای صورت بکلی سست و کم استقامت است و همیشه بطرف یابن آریخته میشود و بلاد آنها را علی العموم (چین) گویند . مملکت چین از (۲۲) عرض شروع شده و تا حدود (۵۴) ختم میگردد و طول آن ممالک از (۷۱) آغاز گشته و تا حدود نصف النهاریکه (۱۳۲) امتداد دارد ممتد میشود «۲» و وسعت آن اقلیم را تا (۴۸۴) کرور فرسنگ) گفته اند . جمعیت این ممالک که $\frac{1}{3}$ جمعیت کره ارض را (تقریباً ۷۸۰ کرور) حاوی است تمام مردمی هستند از نژاد زرد پوست که صفات ایشان ذکر شد .

(۱) این شعر را انوری در قنّه غزها سروده و خود آقای عنایت این تذکر

را داده اند .

«۲» - این طول چون از جغرافیا های انگلیسی اخذ میشود لهذا باید دانست

که مبدأ نصف النهارات رصدخانه معروف کربنویج بوده است .

يكنفر چيني لا اقل يانزده تا بيست اولاد دارد، و هميشه آنان بي نهايت ساده و در كمال راحت و ارزاني تمام ميشود. زيرا كه خوراك هاي ايشان فقط از برنج هاي ارزاني است كه در حواشي انهار كشت ميشود. برنج چين از حيث فراواني در دنيا معروف است و ميگويند نظير آن تا بحال در هيچيك از نقاط عالم ديده نشده و چيني ها همان برنج هارا در آب ريخته ميچوشانند و بصرف تغذيه ميرسانند.

لهذا با اين غذاي مناسب و با آن هوای موافق اگر بشنويم در چين جمعيت زياد است و با اينكه چيني ها از حيث اولاد مستغنی هستند بهيچ صورت جاي تعجب نيست والبته زود ميشود باور كرد.

چيني ها اگر چه از جهت هوش از نژاد سفيد پست ترند اما حس قوميت شديدي دارند و در مواقع غوغا و شورش چنان احساس ميشود كه ميخواهند دنيا را آشوب كنند از اشخاصيكه از حيث نژاد و مذهب با ايشان بيگانه اند خيلي احتراز مي جويند و البته اثر دستشان برسد از قتل او يا هزار گونه آزار ديگر كه در باره اش مي پسندند كوتاهي نخواهند كرد. مخصوصاً با نژاد سفيد بقدری دشمنند كه آنها را شياطين مينامند.

هنر بسوخ لاندر انگليسي كه در ضمن سياحت خود شرح جنك بزرگ چين را داده گويد: در ميدان بزرگي سفيد بوستان بيچاره را ديدم كه بدست چيني ها كشته شده بودند و زرد بوستان ايشان را بدرختها آوبخته، لاشخور ها از آسمان بروی آنها مي نشستند و شكم هارا از گوشت ايشان پرميكردند بعضي لاشخور ها كه چشمشان بطعمه زياد مي افتاد بقدری در خوردن گوشتها اصرار ميكردند كه بيحس شده بر روی زمين مي افتادند چينه دان هاشان پر بود ولي چيني ها آنها را نجس پنداشته مي گفتند؛ شيطان سفيد در درون اين حيوانات جاي کرده!

و نیز در جای دیگر گوید: در (توبنيكچی كيت) «۱» خانم اروپايی

«۱» یکی از دروازه هایست که در سمت شمال شرقی شهر یکن واقع شده

را دیدم که در زیر مدفوع انسان مدفونش کرده بودند بطوریکه هیچ جای او آشکار نبود فقط من از نوك پوتینه‌های او که بیرون مانده بود بر وجودش پی بردم چند نفر ارادل چینی در اطراف او ایستاده بودند و می‌خندیدند و کینه‌درونی خود را نسبت بسفید پوستان ظاهر می‌ساختند! (۱)

این طوایف نیز مثل مردم سایر بلاد از قدیم بدو دسته متمدن و بدوی قسمت میشدند و غالباً متمدین ایشان از آسیب وحشیان در آزار بودند بطوریکه از همان ازمنه سابقه برای رفع اینکار حصار عظیمی که از اطراف ایشانرا محصور و از تهاجمات این قبائل آنها را محفوظ‌کنند ساخته و بداخله آن پناه برده بودند (حصار چین چنانکه می‌گویند یکی از عجایب سבעه بوده) مخصوصاً یکی از وحشی‌ترین این طوایف که در حدودی متجاوز از (۴۳) عرض زیست می‌کنند بنام مغول معروف و سر زمین ایشان بقول نویسندگان فارسی و عربی به مغولستان و یا اینکه بگفته انگلیس‌ها به منگلیا معروف است. از جغرافیون و مورخین قدیمی عرب یکی (ابی الفداء) در ضمن کتاب خود که بعضی از تحقیقات خویش را در آن نگاشته راجع بمملکت چین شرح مبسوطی داده و در وقتیکه حدود این اقلیم را توضیح می‌دهد می‌نویسد حد شمالی آن بسد یا جوج و مأجوج بر می‌خورد «۲» گرچه عقیده این نویسنده عرب با اکتشافات جدیده مطابقه نمی‌کند ولی مفهوم کلام او قسمی است که میتوان بعضی اکتشافات جدیده را از روی آن درک کرد چنانکه بعقیده بنده مقصودش از لفظ سد همان اشاره بدیوار عظیم چین است

(۱) نویسنده مقاله چون از سیاست دور اند شاید ملتفت نیستند که نویسندگان اروپائی از نوشتن این چیزها راجع بشرق قصد تبلیغ دارند و اقتدرها افعال ایشان قابل اعتماد نیست

«۲» عین عبارات کتاب اینست:

(و اما بلاد الصين فطويلة عريضة طولها من المشرق الى المغرب اكثر من مسيرة شهرين و عرضها من بحر الصين في الجنوب الى سد مأجوج و مأجوج في الشمال الخ)

یعنی ممالک چین خیلی وسیاست امتداد بیشتر شهرهای آن از مشرق به مغرب دو ماه راه است عرضش از جنوب بدریای چین و از شمال بسد مأجوج و مأجوج منتهی میشود. (ابی الفداء) (مظاہری)

که قبلاً به آن اشاره شد و یا جوج و مأجوج همان قوم فتنه انگیز مغول بوده اند که بعدها عالم را خراب کردند .

اگر مطالبی را که ضمناً در قرآن راجع به (یا جوج و مأجوج) و فتنه ایشان در عالم و ایجاد سدی که بعدها در مقابل آنها صورت انجام گرفته مقایسه با احوال قوم مغول کنیم «۱» لابد بخوبی میتوانیم بفهمیم صرف نظر از شاخ و برگهای زیادی این اشاراتی که در ضمن این آثار تاریخی با قیامانده راجع بهمین قوم مغول بوده است منتهی که بعد مفسرین جاهل به آن با يك مشت افسانه آمیخته اند!

از اقوال ایشانهم اگر صرف نظر کنیم از نوشته های قدیمی و آثار تاریخی چینی بخوبی میتوان استنباط کرد که این طایفه از قدیم ایام در روی زمین باعث آزار و زحمت مستی از مردم میشده اند و اول مرتبه اسباب زحمت خاطر چینی های متمدن را فراهم ساخته اند و ایشان هم بواسطه حس راحت طلبی که داشته و دارند بکشیدن چنین حصار عظیمی مبادرت ورزیده اند تا بتوانند در مقابل هجوم وحشیان شمالی مقاومت کنند .

این قوم وحشی با این صفاتی که فوقاً تشریح شد یعنی عدت و وحدت که هر دو در وجود آنها توأم اند البته دیگر معلوم است که اگر يك مرتبه دستی بعالم متمدن یابند دنیا را دوباره بسوی وحشیگری سوق خواهند داد بقیه دارد

۷۳۴

«۱» عبارتی که در ضمن سوره کهف بیان میشود اینست :
(حتى اذا باغ بین السدین وجدن دونهما قوماً لا یلادون یقهون قولاً قالوا یا ذالقرنین ان یا جوج مفسدون فی الارض ، فهل نجعل لك خرجا . علی ان نجعل بیننا و بینهم سداً الخ)
و معانی این کلمات چنین است :

تا اینکه میان دو کوه رسید و پشت آن کوه قومی را یافت که زبان نمی فهمیدند ! گفتند ای ذوالقرنین، یا جوج و مأجوج در زمین فساد میکنند آیا برای تو خرچی معین کنیم تا میان ما و ایشان دیوارا بکشی ؟ (آخر)
و بموجب بقیه آیه راضی میشود و گفته اند آن حصار را از آهن و مس گداخته ساخته و روزی بیاید که آن طایفه حصار را خراب کنند و گویند قیامت موعود در آن روز خواهد بود
(مظاهری)